

## سیاست‌ورزی و آفت سیاست‌زدگی



علی دهقان

سیاست مدت‌های زیادی می‌شود که از در و دیوار جامعه ایرانی بالا می‌رود و به یک اتفاق مداوم در میان همه گروه‌های اجتماعی تبدیل شده است. بارها شنیده‌ایم و دیده‌ایم که همه در ایران سری در سیاست دارند و با چشم باز تغییر و تحولات سیاسی را رصد می‌کنند. هر کنشی در جغرافیای اجتماعی ما می‌تواند یک بردار از واکنشی نسبتاً عمومی به امر سیاست باشد. حتی موج شدید بی‌تفاوتی اجتماعی به اتفاقات سیاسی نیز یک رفتار سیاسی در ایران ارزیابی می‌شود. اینکه آیا شکل‌گیری تاریخی موج ملت-سیاست امری مطلوب است یا خیر، حتماً تحلیل‌هایی دارد که اندیشمندان اجتماعی و جامعه‌شناسان سیاسی باید درباره آن سخن بگویند و اگر راهبردی می‌شناسند، برای آنکه چنین عزمی را در سیاست‌ورزی به مکانیسم پیش‌برنده توسعه تبدیل کند، ارائه دهند. اما مسئله در این روزهای ایران، سیاست‌ورزی عمومی با همه کمی و کاستی‌های آن نیست، بلکه بیشتر از هر زمان دیگری بحران نهادمندی امر سیاست است که موجب نگرانی می‌شود. ساده باید گفت که ما بیشتر از دام سیاست در چاله سیاست‌زدگی گرفتار شده‌ایم. در فرهنگ آکسفورد سیاسی شدن جامعه زمانی رخ می‌دهد که ضرب نفوذ سیاست در جامعه بالا می‌رود؛ فرایندی که به واسطه آن همه امور غیرسیاسی با سیاست مخلوط می‌شود.

لپ‌رخت در سال ۱۹۰۷ از یک علاقه عمومی سخن گفت که مسیر سیاسی شدن جامعه را نشان می‌دهد، اما در مقابل این‌ مفاهیم ساده، یک بار منفی بزرگ نیز وجود دارد که به آن سیاست‌زدگی می‌گویند. سیاست‌زدگی فرایندی نیست که ترکیبی از امور جامعه با سیاست را به امری عمومی تبدیل کند (پدیده‌ای که در آن افراد یک جامعه بر حسب علاقه خود به سیاست متمایل می‌شوند و جریان نقدشوندگی حضور در بساط سیاسی کشور را کلید می‌زنند)، بلکه هسته نخست سیاست‌زدگی در جایی شکل می‌گیرد که نهادهای میانجی در حوزه سیاست‌ورزی کارآمدی خود را از دست می‌دهند. احزاب و نهادهایی نظیر مجلس، تشکل‌ها و «کانون‌های اجتماعی انتقال مطالبات سیاسی»، (به‌عنوان نهادهای میانجی) مرز اتصال ملت و روشمندی عمومی را برای شکل‌بندی تصمیم‌های توسعه‌مند به وجود می‌آورند. سیاست‌ورزی از نظر آنان باید قاعده‌ای باشد که فرهنگ رقابت و کنشگری‌های مدنی را بنا کند. با این نگاه سیاست رزق نیست، بلکه روزه‌ای است که رفاه عمومی را تسهیل می‌کند. آنها زمانی نهادمند عمل می‌کنند که توسعه ملی ملاک می‌شود و منافع عمومی بر منافع گروهی می‌چربد. براساس این گفت‌وگو می‌کنند و برای کم‌کردن هزینه‌های توسعه، چارچوب‌های روشمندی ملی را تخمین می‌زنند. این‌گونه صلاحیت رقابت نیز ساده‌تر در قاعده و قواره توسعه جای خود را باز می‌کند. این خیراندیشی همگانی اگر از مولدبودن فاصله بگیرد، بحران «نه‌اندمنی» در قدم نخست و کم‌کنشگری در همبستگی کارکردی در قدم بعدی رخ می‌دهد. اینجا همان نقطه‌ای است که شاخص‌های توسعه زیرورو می‌شوند و هزینه مبادله ملی در کش‌وقوس عمل رشد، زیان‌های پی‌درپی را تجربه می‌کند. حلقه‌های میانجی اگر از نظر مفاهیم ساختاری نقطه اتصال ملت به دولت را از دست بدهند، ملت، بدون انسجام فراگیر، مطالبه‌گری سیاسی خود را با ظرفیت‌های نارس دولت مواجه می‌کند که نتیجه این‌ دوگانگی، بدون حضور کارکردگرای قطب‌های میانجی پیش‌بینی‌ناپذیر خواهد بود. شبیه این اتفاق را متاسفانه در ایران امروز مشاهده می‌کنیم. رفتارسنجی عناصر میانجی یک یاس بطنی را در شیوه حکمرانی کشور تزریق کرده است. آنها خیلی از مواقع الگوهای رفتاری سیاست را به رزق‌ورزی سیاسی تبدیل کرده‌اند. وقتی پارادایم تغییر مدنی از یک دولت به دولت بعدی شکل می‌گیرد، موج سنگین مطالبه مشاغل اجرائی نشان می‌دهد که بحران نهادمندی در سیاست‌ورزی ایرانی به بیراهه‌ای مایوس‌کننده درغلتیده است. نهادهای میانجی صدای بزرگی دارند اما خاصیت‌سنجی تأثیرگذاری آنان برای عنصر پیشرفت، بیشتر شبیه یک چالش است.

<span><span></span></span>	شنبه ۱۰ آذر ۱۴۰۳	<span><span></span></span>
	۲۸ جمادی‌الاول ۱۴۴۶	
	۳۰ نوامبر ۲۰۲۴	
	سال بیست‌ویکم	
	شماره ۴۹۸۸	
	۲۰ هزار تومان	
	۱۲ صفحه	

# روزنامه

**در «شرق» امروز می‌خوانید:**

**بررسی‌ها نشان می‌دهد که در چند سال اخیررتبه شاخص توسعهٔ ترکیبی ایران از رتبه ۱۰۷ جهان به رتبه ۱۲۲ کاهش داشته است؛**

# عقبگرد توسعه



«شرق» از انجام مذاکرات مجید تخت‌روانچی با همتایان اروپایی گزارش می‌دهد

# بازیابی دیپلماسی در ژنو

• **عراقچی: اگر کشورهای اروپایی در شورای امنیت سازمان ملل تحریم‌ها را مجدداً علیه ایران اعمال کنند، آن وقت همه متقاعد می‌شوند که این دکتربین اشتباه بوده است**

• **غریب آبادی: به مورا گفته شد اتحادیه اروپا باید از رفتار خودبینانه و غیرمسئولانه خود در قبال مسائل بین‌المللی دست بردارد**

### یادداشت

# ارزیابی یک‌ساله سیاست‌های کلی دریامحور



امیرثامنی

پس‌کرانه‌ها» تدوین شده، موضوع صرفاً به تکلیف‌گذاری برای وزارت صمت در راستای تعیین اولویت‌های صنعتی به منظور ایجاد قطب‌های صنعتی توسعه دریایی محدود شده که نشان از فهم‌نشدن مفهوم و ماهیت قطب توسعه دریایی پیشران، تقلیل موضوع در حوزه صنعت و کم‌توجهی به الزامات متمایز مربوط به توسعه سواحل، جزایر و پسرکرانه‌ها به‌عنوان سه قلمرو مهم دریایی کشور است.

**دوم. فقدان دقت در تجزیه و جمعیت در ترکیب موضوعات مرتبط با تحقق سیاست‌های کلی توسعه دریامحور؛** با وجود آنکه عنوان مصوبه برنامه جامع تحقق سیاست‌های کلی توسعه دریامحور بوده، اما به نظر می‌رسد تصویب این مصوبه باید موکول به اجرای بند ۴ سیاست‌های کلی توسعه دریامحور ناظر بر «تدوین طرح جامع توسعه دریامحور یا پهنه‌بندی دریا، کرانه و پس‌کرانه… طی مذاکره یک سال پس از ابلاغ سیاست» می‌شد که اولاً تصویری جامع و بلندمدت از چشم‌انداز، اهداف کمی، راهبردها و اقدامات اجرائی مورد نیاز به دست داده می‌شد و ثانیاً تکالیف و مأموریت‌های هر یک از دستگاه‌های اجرائی در قالب این طرح جامع و به صورت گام‌بندی‌شده و اولویت‌بندی‌شده استخراج می‌شد. درواقع مصوبه فعلی، کسکولی از احکام و تکلیف‌گذاری‌های پراکنده برای مجموعه‌ای از دستگاه‌های اجرائی بوده که اغلب آنها یا جزء وظایف جاری یا برنامه‌ای آنها بوده یا خط و ربط آنها با یکدیگر و خروجی و دستاورد عینی آنها برای تحقق اهداف توسعه دریامحور نامشخص است. علاوه بر این، در مصوبه هیئت وزیران برنامه یا اقدام مشخصی برای موضوع بهره‌برداری بهینه از ظرفیت جزایر متعدد جنوب کشور ارائه نشده است و فقط در قالب ماده ۳۹ موضوع به تدوین طرح توسعه جزایر جنوب کشور توسط وزارت راه و شهرسازی احاله شده که نشان از تداوم رویکرد سنتی مسکن‌سازی برای توسعه جزایر بدون توجه به اهمیت و اولویت توسعه کسب‌وکارهای دریایی، استقرار زنجیره‌های ارزش در جزایر و پویاسازی و پیونددهی اقتصاد جزایر به سرزمین اصلی دارد.

**سوم. غفلت از نسخه‌پیچی برای حل دو ابرمسئله بنیادین فراروی توسعه دریامحور؛** یکی از خروجی‌های مهم کارگروه اقتصاد دریامحور در ستاد تدوین برنامه هفتم توسعه، تعیین دو ابرمسئله اصلی فراروی توسعه دریامحور در کشور و اجماع همه ذی‌نفعان و ذی‌مدخلان بر آن بود؛ اول، اختلال نهادی در سیاست‌گذاری، هماهنگی و مدیریت توسعه دریامحور و دوم تأمین مالی توسعه دریامحور و هدایت سرمایه‌گذاری‌ها و فعالیت‌های اقتصادی به سمت مناطق ساحلی و نود سازوکارها و قواعد انگیزشی لازم برای جذب جمعیت و فعالیت در سواحل جنوب کشور. مصوبه مذکور برای حل این دو ابرمسئله تقریباً هیچ راه‌حل و چاره‌اندیشی مشخصی را ارائه نداده و کماکان بعد از یک سال از ابلاغ سیاست‌های کلی دریامحور، بند ۱ سیاست‌های کلی توسعه دریامحور ناظر بر «سیاست‌گذاری یکپارچه امور دریایی و تقسیم کار ملی و مدیریت

رهبرانقلاب در دیداربا دست‌اندرکاران برگزاری تکره بزرگداشت ۲۴ هزار شهید استان اصفهان؛

درهم‌تنیدگی دین و نشانه‌های تمدنی ایران



پیشروی مخالفان اسد در شمال غرب سوریه و قطع ارتباط حلب و دمشق

### برگزیده‌ها

عباس عراقچی با آیات عظام جوادی آملی، مکارم‌شیرازی، نوری‌همدانی و سبحانی ملاقات کرد؛

ضرورت نگاه به جهان با حفظ منافع و عزت ملی



پیشروی مخالفان اسد در شمال غرب سوریه و قطع ارتباط حلب و دمشق

غافلگیری در سرزمین شام



گفت‌وگو با داریوش دالوند درباره صنعت تولید انیمیشن در ایران

تنها حوزه‌ای که سن‌وسال نمی‌شناسد



هراس از صدای عادل



### یادداشت

شاخص‌های عملکرداصلاح‌طلبانه در آموزش‌وپرورش



رحیم‌عبادی

عضویت علمی دانشگاه‌فرهنگیان

در هفته گذشته به دعوت کانون اندیشه‌ورزی انجمن اسلامی معلمان، موضوع شاخص‌های عملکردی اصلاح‌طلبانه در آموزش و پرورش مورد بحث و گفت‌وگو قرارگرفت. حاصل این نشست یادداشتی است که تقدیم می‌شود.
تعلیم و تربیت احاد جامعه، امر مهمی است که همواره مورد توجه پیامبران الهی، فیلسوفان و مصلحان جهانی بوده و هست و برای ما ایرانیان و مسلمان موجب خرسندی است که در ایران باستان و در اسلام عزیز همواره امر آموزش و پرورش و اهتمام به آن امری مقدس و مورد تأکید بوده است. جهان امروز نیز دریافته که آموزش و پرورش افراد نوعی سرمایه‌گذاری ملی است و هر کشوری که در این راه تلاش بیشتری کند، بدون شک از رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیشتری برخوردار خواهد شد. در ایران بعد از انقلاب، تلاش‌های فراوانی برای دسترسی همگان به آموزش و پرورش در ایران برقرار شده و اینک از نرخ پوشش قابل قبولی در همه مقاطع تحصیلی برخوردار است؛ اما کیست که نداند کیفیت آموزش و پرورش و نابرابری‌های آموزشی و فقدان عدالت آموزشی موجب دغدغه و نگرانی است. تا قبل از پیروزی انقلاب، الگوی توسعه آموزش- و پرورش در ایران برقرار بوده که متداول جهانی بود و نظام‌های سیاسی مستقر تلاش داشتند همراه با قافله جهانی نسبت به توسعه همه‌جانبه آموزش و پرورش برنامه‌ریزی و اقدام کنند. گرچه توفیقات فراوانی به همراه داشته‌اند؛ اما خالی از کاستی‌ها و نابرابری‌ها نبوده است. با پیروزی انقلاب، سه رویکرد، امور آموزش و پرورش را راهبری کرده است:

رویکرد نخست: تلاش برای تغییر بنیادین نظام آموزش و پرورش و استقرار نظام آموزشی مبتنی بر تعلیم و تربیت اسلامی که طی این چهار دهه همواره مورد توجه بخشی از دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت و حمایت‌مدبران عالی کشور بوده و امروزه در قامت سند تحول آموزش و پرورش و همچنین این مسیر را دنبال می‌کند.

این گزارش را در صفحه ۲ بخوانید

<sup>[1]</sup>
<sup>[2]</sup>
<sup>[3]</sup>